

جلوه‌های نوآوری در مطلع در سروده‌های ابونواس

مریم رعنائی پور^۱

عنایت الله فاتحی نژاد^۲

چکیده

ابونواس از نامدارترین شاعران نوگرا در عصر عباسی است که در برابر سنت شعرسرایی جاهلی موضع‌گیری و صف‌آرایی کرد و سرودن شعر به سبک و شیوه پیشینیان را بی‌حاصل و بیهوده دید. وجه تمایز ابونواس از هم‌نوعانش در این عرصه، نه فقط توجه شاعر به مضمون‌های جدید و در افکندن طرحی نو در ساختمان ایستا و کالبد فروهشته شعر عربی بود؛ بلکه ابونواس با صدای رسا و به شکل کاملاً آشکار با تمام میراث جاهلیت اعلام انزجار و مبارزه کرد. این پژوهش، با روش توصیفی-تحلیلی، علاوه بر تبیین ابعاد فراخوان این کودتای شعری ابونواس، به تحلیل و بررسی جلوه‌های نوآوری شاعر در مطلع شعر عربی می‌پردازد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ابونواس در مقدمه‌های طللی، گاه به ترک آغاز شعر به این سبک و اسلوب جاهلی دعوت می‌کرد و پیروانش را به وصف مجالس شراب فرا می‌خواند، گاه نیز نام مکان‌هایی که در شعر جاهلی به وفور مورد استفاده قرار می‌گرفت را کنایه‌وار ذکر می‌کرد و از دیگر شاعران که این شیوه کهن شعرسرایی را کنار بگذارند و گاهی دیگر به به مقایسه و موازنه حیات جاهلی و زندگی مرفه در عصر عباسی می‌پردازد و رفاه و راحتی موجود در این زندگی را بر می‌شمارد. شاعر در مقدمه‌های غزل بیشتر آرایه‌های ادبی را در تصاویر شعری خود وارد می‌کرد تا معانی را عمیقتر به مخاطب برساند. در مقدمه‌هایی نیز که به توصیف کجاوه معشوق می‌پرداخت؛ الگوی ویژه خود را پی گرفت و به توصیف سفر خود و ماجراها و رویدادهای شخصی‌اش پرداخت.

کلید واژه‌ها: عصر عباسی، شعر، نوآوری مطلع، ابونواس.

۱- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. تهران، ایران.

maryamr6486@gmail.com

۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

fatehienayat@ymail.com

ایران. (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۶/۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۹/۱۷

مقدمه

ادبیات هر سرزمینی انعکاس زندگی مردم آن سرزمین است و شاعر و یا نویسنده ادبی فرزند محیط خویش است که افکارش را غالباً از محیط پیرامونش الهام می‌گیرد. اعراب نیز از این قاعده مستثنی نبودند و شعر آنان که سرآغازش از دوران جاهلی است تا به امروز فراز و فرودهای زیادی را به خود دیده است.

یکی از برهه‌هایی که ادبیات عربی خود را در مقابل تحول و شکسته شدن چهارچوب‌های گذشته دید زمانی است که با فرهنگ ایرانی آشنا شد و شاعران ایرانی تبار توانستند عنوان «محدثون» یا «نوخاستگان» را به خود اختصاص دهند. این عنوان در واقع تداعی کننده‌ی نوعی تحول در ادبیات عربی است. جایی که این ادیبان چهارچوب‌های قصیده‌ی کهن را شکستند و سبکی جدید در شعر عربی به وجود آوردند که این خود سرآغاز تحولات بیشتر در راه پریپچ و خم ادبیات و دگرگونی‌های فکری بود و شاعران بزرگی چون بشاربن برد، ابونواس و ابوالعتاهیه از پیشگامان این تحول ادبی به شمار می‌روند.

بدون شک، شاعرانی که در درازنای زمان خواسته‌اند در قالب‌ها و مضمون‌های شعری خود نوآوری ایجاد کنند؛ کم نیستند. اما هرگز آنها در یک حد و اندازه ظاهر نشده‌اند. تعدادی به تصویرهای تازه روی آوردند، گروهی در حد مضامین نو نوآوری داشتند، اما برخی نیز با فاصله گرفتن از کلیشه‌ها و ساختارهای موجود، طرحی نو درافکندند و قالبی نو را عرضه نمودند. ابونواس از شاعرانی است که کوشید تا طرحی تازه در بنیان فرسوده و فرتوت غزل دراندازد. در سروده‌های ابونواس، واژه‌ها محکم، هماهنگ و همسو با دیگر عناصر و اجزای شعر در حرکت و جریان است. ابونواس از نامدارترین غزلسرایان نوگرا در عصر عباسی است که در برابر سنت شعرسرایان به سبک و سیاق شاعران جاهلی موضع‌گیری و صف‌آرایی کرد و سرودن غزل به سبک و شیوه پیشینیان را بیحاصل و بیهوده دید. وجه تمایز ابونواس از هم‌عانش در ادب عربی، توجه شاعر به مضمون‌های جدید برای مطلع‌های شعری و در افکندن طرحی نو در ساختمان ایستا و کالبد فروهشته غزل عربی است.

این پژوهش، به تحلیل و بررسی جلوه‌های نوآوری ابونواس در غزل عربی می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در شعر عصر عباسی، به اشعار ابونواس اختصاص دارد. ابونواس در ایران نیز از شاعران مشهور به شمار می‌رود که مقاله‌های بسیاری در معرفی اشعارش به چاپ رسیده است. از آن جمله، می‌توان به این موارد اشاره نمود:

- ۱- زینی‌وند، تورج (۱۳۹۰ش) «مقارنه بین ابی نواس الأهوازی البصری والرودکی السمرقندی فی ضوء خمرياتها المادیة»، فصلیه النقد و الأدب المقارن، جامعه رازی کرمانشاه، السنة الأولى، العدد ۴.
- ۲- غلامعلی زاده جواد و سید باقر حسینی (۱۳۹۰ش) «تحلیلی نو بر گرایش مذهبی و سیاسی حسن بن هانی (ابونواس)»، مجله زبان و ادبیات عربی (مجله ادبیات و علوم انسانی سابق)، شماره پنجم.
- ۳- میرزایی، فرامرز و دیگران (۱۳۹۲ش) «جلوه‌های جشن‌های باستانی پارسیان در شعر بحتری و ابونواس»، نشریه ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ۵، شماره ۹.
- ۴- میرحسینی، سید محمد و مسلم مقصودی (۱۳۹۰ش) «بررسی تطبیقی زهدیات ابونواس و سنایی»، نشریه ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، سال سوم، شماره ۵.
- ۵- هادی پورنهمی، یوسف (۱۳۸۷ش) «ابونواس، شاعر ایرانی در بوته نقد و داوری تاریخ»، پژوهشنامه فرهنگ و ادب بهار و تابستان، شماره ۶.

از آنجا که در زمینه نوآوری ابونواس در مطلع‌های شعری، تحقیقی صورت نگرفته است، این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی به مطالعه سبک ابونواس در ورود به قصاید خود و مطلع‌های شعری شاعر می‌پردازد و می‌کوشد به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- ۱- ردپای مقدمه‌های طللی در سروده‌های ابونواس تا چه حدی است؟
- ۲- جلوه‌های نوآوری ابونواس در مطلع‌های شعری کدام است؟

زندگی و شعر ابونواس

حسن بن هانی، معروف به ابو نواس شاعر بلندآوازه عصر عباسی است (خطیب بغدادی، بی تا: ۴۳۶/۷). هرچند «در تاریخ ولادت او بین ۱۳۶ تا ۱۴۹ ق اختلاف است، ولی تقریباً تمامی منابع در اینکه زادگاه شاعر اهواز یا یکی از نواحی آن بوده، اتفاق نظر دارند» (فاتحی، ۱۳۷۳: ۳۴۳/۶). از لحاظ نسب باید گفت که «مادرش جُلبان اهوازی بوده و پدرش از لشکریان مروان بن محمد -آخرین پادشاه بنی امیه-

۱۵۸ // دو ضلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

بوده است» (ابن خلکان، ۱۳۶۴: ۹۵/۲ و بروکلمان، ۱۹۹۳: ۳۴۳/۱). ابونواس در بصره رشد و پرورش یافت و در همانجا به شهرت رسید. هرچند درباره گرایش ابونواس به شعوبیه آراء متعددی وجودی دارد، اما عمر فروخ بر این باور است که «ابونواس چندان به شعوبیه اهتمام نورزید و تعصبی بر برتری عجم بر عرب نداشت» (فروخ، ۲۰۰۶: ۱۵۹/۲). ابونواس با بیشتر طبقات جامعه از متکلم، فقیه، پزشک، معجون، آوازخوان و... زندگی کرده است و چیزهایی از آنان اخذ کرده است، شعر او آینه تمام‌نمای چیزهایی است که در محیط اطرافش کسب کرده است (ر.ک: افرام بستانی، ۱۹۶۱: ۲۶). به طور کلی، «در عصر عباسی اول همزمان با انتقال حکومت از بدویت به تمدن و شهرنشینی و همچنین، رغبت فراوان خلیفه‌ها و مردان حکومتی به شعر و سایر فنون ادبی، شاعران خوش قریحه زیادی به منصفه ظهور رسیدند» (زیدان، ۱۹۹۶: ۱۷۳). از معروفترین آنها، ابونواس است. دیوان ابونواس در بردارنده اغلب موضوعات شعری همچون خمر، غزل، مدح، هجاء، رثا و زهد و... است (الفاخوری، ۱۳۸۰: ۶۹۲). هرآینه، «پیشرفت تمدن، رواج واژه‌های آسان، دوری از زندگی خشونت‌بار بادیه و واژه‌های دشوار آن زمان، باعث نرمی و زیبایی عبارات شد» (رضایی و عدالتی نسب، ۱۳۹۴: ۹۰). این موضوع، نماد و جلوه خود را در شعر ابونواس نیز نشان می‌دهد.

ابونواس به دلیل اصالت ایرانی، پیوند مستحکمی میان زبان فارسی و عربی برقرار کرد به طوری که واژگان فارسی فراوانی در دیوانش یافت می‌شود (ضیف، ۱۹۸۲: ۲۲۳). شهرت ابونواس تا حدی است که خالد برمکی، ابونواس را برای به نظم درآوردن کلیله و دمنه انتخاب کرد. «اما ابان (بن عبدالحمید) وقتی این موضوع را دریافت، ابونواس را فریفت و او را از این کار بازداشت و خود به این کار پرداخت و همین امر سبب دشمنی ابونواس با وی گردید.» (اقبال آشتیانی، ۱۳۰۶: ۷۰). هرچند ابونواس شهرت و معروفیت خود را مدیون خمریاتش است، اما او «با نبوغ فراوان خود توانست آراء و اندیشه‌های مترقی خود را در قالب شعر خمری عرضه کند و بر سنت‌های قدیمی و ناروا بشورد. او در این راه، تهمت‌های بسیار شنید و زندان‌ها بسیار کشید» (هادی پورنهمی، ۱۳۹۰: ۴۷).

ابونواس از مشهورترین شاعران عصر عباسی است که نوآوری‌های فراوانی را در زمینه معانی و مضامین و همینطور انواع شعر انجام داده است. همین سروده‌هاست که او را به صفت «نوآور» موصوف ساخته‌اند. ابونواس از معروفترین کسانی است که روحی تازه در کالبد فرسوده و فروهشته شعر عربی

دمید و انقلابی بزرگ علیه مطلع‌های شعری به سبک جاهلی برپا ساخت که نام او را ماندگار و مانا کرد.

ابونواس و تجدید در مطلع شعری

در آغاز عصر عباسی، به همت شاعران نوآور، مضامین تازه و معانی بکری به قلمرو شعر راه یافت. در این میان، شاعران برجسته و بزرگی یافت میشوند که بار اصلی این تحوّل و نوگرایی را به دوش کشیدند و پرچمداران نوگرایی در عصر عباسی به شمار می‌آیند. «بشار، ابوعتاهیه و ابونواس، آغازگران تحوّل در شعر عباسی محسوب میشوند که از آنان به‌عنوان نوگرایان عصر عباسی یاد کرده‌اند. اما در میان این سه تن، ابونواس برجسته‌تر می‌نماید؛ زیرا وی صاحب شورشی است که ناقدان ادبی از آن به "شورش ابونواسی" یاد کرده‌اند» (محمدی فر و دیگران، ۱۳۹۶: ۸۹). بنابراین، «مبالغه نباید تلقی شود اگر بگوییم این کسان بودند که شعر عربی را از سروده‌های بیابان به صحنه جهانی کشاندند که به دست مردم گوناگون افتاد و بدان طبع آزمایی کردند» (فرای، ۱۳۶۳: ۱۳۹). همین موضوع، گاهی دستاویزی برای تخریب شخصیت ابونواس و وارد کردن اتهاماتی بی‌اساس و دروغین به او نیز شده است. به عبارت دیگر، «از دیگر عواملی که موجب مخدوش شدن شخصیت ابونواس گردیده، موضع فکری و ادبی او در قبال مسأله اسلوب و نظام قدیمی قصیده بود. او خواستار تجدید در شعر بود و به مخالفت با محافظین نظام قدیمی می‌پرداخت و آنان را به سخریه می‌گرفت» (غلامعلی زاده و حسینی، ۱۳۹۰: ۱۵۳). از اینرو، طبیعی بود که این یورش و شورش ابونواسی، موجب ناخوشایندی و ناخرسندی شاعران پایبند به نظام قصیده شده است.

ابونواس به عنوان شاعری نوآور و واقع‌گرا از توانایی‌های زبانی خود برای ارائه رویکردی بکر و تازه در مطلع‌های قصیده و غزل عربی استفاده کرد. او در مقابل چیزی که به «مقدمه‌های طللی» (ایستادن و گریستن بر ویرانه‌های خانه محبوب) خوانده می‌شد، موضع‌گیری کرد و آن را کاری عبث و بیهوده برشمرد. «هرچند کمیت بن زید اسدی پیش از ابونواس این کار را کرده بود، اما به جرئت می‌توان گفت که ابونواس تنها و نخستین شاعری بود که این مبارزه را به یک سبک و مکتب تبدیل کرد». در واقع، زندگی مرفه و پر از نعمت عباسی، شاعر را به سمت مقابله و مخالفت با تصاویر جاهلی و به ویژه مقدمات آن شاعران در شعرسرایی کشانید. ابونواس پیشنهاد می‌کند که بجای آن مفاهیم کهنه، شاعران به غزل و خمریات روی بیاورند، جایی که خود او می‌توانست احساسات، شور، نشاط و

۱۱۶۰ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

اشتیاق خود را به زندگی در آنجا به تصویر کشد. از اینرو، می‌بینیم که او در ابیات آغازین خمریات خود، بر راه و رسم شاعران جاهلی می‌شورد، بر ضد آن طغیان می‌کند و ایستادن و گریستن بر ویرانه‌های منزل معشوق را کاری سراسر پوچ معرفی می‌کند:

قالوا السلام عليك يا أطلال	قلت السلام على المحيل محال
فدعوا لتبكية الديار وأهلها	ولنا بأهل مودّة أشغال
دع دارسات الطلول	وكل ربع محيل
ولا تصف دار سلمى	ذرها لكل جهول
لا تقل: آل ليلي	قد آذنوا برحيل

(ابونواس، ۱۴۱۸: ۱۱۴)

ترجمه: [گفتند سلام بر تو ای خرابه‌ها و آثار دیار یار، گفتم سلام بر امری ناممکن و نشدنی. پس آنان برای گریه و مویه بر دیار یار و مردمانش فراخواندند در آن هنگام که ما مشغول دوستان بودیم. آثار مندرس و پوسیده‌ی دیار یار را رها کن در حالیکه دسترسی به تمام مکان‌ها غیرممکن است. خانه و سرزمین سلمی را توصیف نکن و آن را برای هر نادانی واگذار. نگو گه خاندان لیلی اجازه‌ی سفر و رفتن را دادند.]

هرچند، نام ابونواس با این هجوم و یورش به مقدمه‌های طللی گره خورده است، اما گاهی نیز بنا به ضرورت شاعر ناگزیر است تا برای راضی نگه داشتن ممدوح خود، به آوردن مقدمات این‌چنینی تن دردهد:

أعر شعرك الأطلال والدمن القفرا	فقد طال ما أزرى به نعتك الخمرا
دعاني إلى نعت الطلول مسلط	تضيق ذراعي أن أجوز له أمراً
فسمع أمير المؤمنين وطاعة	وإن كنت قد جشمتني مركباً وعرا

(ابونواس، ۱۴۱۸: ۹۳)

ترجمه: [شعر خود را به اطلال و منزلگاه‌های متروک بیابان‌ها عاریه ده، که مدت‌هاست وصف تو از داده، شأن آن‌ها را فرو آورده است. مرا صاحب قدرتی به وصف اطلال فرا می‌خواند که توان آن را ندارم که فرمانش را دیگرگون کنم. ای امیرالمؤمنین! شنیدم و فرمانبرداری می‌کنم. هرچند مرا مجبور ساختی که بر اسبی چموش سوار شوم.]

جلوه‌های نوآوری در مطلع در سروده‌های ابونواس ۶۱۱۱

در این ابیات، شاعر به طور کامل وضعیت و موقعیت خود را توصیف و تشریح می‌کند. شاعر می‌گوید که پرداختن او به خمريات و توصیف باده، شأن و منزلتی برای اطلال و دمن معشوق (که زمانی مطلع هر شعر و قصیده‌های بوده) نگذاشته است. او در این ابیات نیز با کنایه از این موضوع یاد میکند و آن را از سر اجبار و اکراه می‌بیند. انتخاب تعبیر استعاری «اسب چموش» برای مطلع شعر جاهلی، در هماهنگی با همین موضوع انتخاب و به‌گزین شده است. از اینرو می‌بینیم که ابونواس جز در شرایط اضطرار، آهنگ تقلید نمی‌کند و حتی لحظه‌ای که از ناگزیر است، بدون هیچ ترس و واهمه‌ای، اجباری بودن آن را آشکار و اعلان می‌دارد.

رویکرد ابونواس در مواجهه با مقدمات طللی

ریخت‌شناسی اشعاری که در آن ابونواس به مقدمات طللی می‌پردازد ما را به رویکردهای زیر در این مواجهه نزدیک می‌گرداند:

۱) رها کردن اطلال و دمن از رهگذر مقایسه با تمدن ایرانی

در این رویکرد، شاعر ابتدا به رها کردن اطلال و گریستن بر ویرانه‌های منزل معشوق فرا می‌خواند و سپس به مقایسه و موازنه‌ای میان نقوش جاهلی و آنچه که از تمدن ایرانی بر جای مانده می‌پردازد تا مخاطب خود را هوشیار کند:

شاعر از مخاطب خود می‌خواهد که ویرانه‌های محبوب را رها کند:

دَعِ الرِّسْمَ الَّذِي دَثَّرَا يُقَاسِي الرِّيحَ وَالْمَطَرَا
وَكُنْ رَجُلًا أَضَاعَ الْعِلَّ مَ فِي اللَّذَاتِ وَالْحَطَرَا
أَلَمْ تَرَ مَا بَنَى كِسْرَى وَسَابُورٌ لِمَنْ عَبَّرَا

(ابونواس، ۱۴۱۸: ۷۶)

ترجمه: [ویرانه‌هایی که کهنه و مندرس شده‌اند و در برابر باد و باران بردباری کرده‌اند را به حال خود واگذار. مردی باش که در لذتها و ماجراجویی‌ها، علم را از دست می‌دهد. آیا نمی‌بینی که کسری و شاپور برای گذشتگان چه چیزی ساختند؟]

ابونواس با لحنی سرزنشگرانه به شماتت کسانی می‌پردازد که هنوز بر همان سبک و سیاق جاهلی شعر می‌سرایند. کاربرد فعل امر (دع: واگذار) با دلالت ضمنی تمنا و استرحام، مهم‌ترین بخش عاطفی

۱۱۶۲ // دو هجده مطالعه نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

بیت را به دوش میکشد. او معتقد است که عمر را نه صرف علم، که باید در راه لذتها و ماجراجویی‌ها گذرانید. شاعر در بیت سوم نیز به تمدن ایرانی افتخار میکند و با قرار دادن ایوان کسری در برابر ویرانه‌هایی که شاعر جاهلی در برابر آن میایستد، به نوعی به مقایسه و موازنه بین این دو میپردازد و از مخاطبش (دیگر شاعران) میخواهد تا راه و رسم دیگری را در پیش گیرد.

این نوع مقدمه‌ها از بیشترین مقدمه‌هایی است که ابونواس مدایح و هجوهای خود را با آنها شروع میکند.

و در جای دیگری آورده است:

دَعِ الْأَطْلَالَ تَسْفِيهَا الْجَنُوبُ وَتُبْلِي عَهْدَ جَدَّتِهَا الْخُطُوبُ
وَخَلَّ لِرَاكِبِ الْوُجْنَاءِ أَرْضاً تَحُبُّ بِهَا النَّجِيَّةَ وَالنَّجِيبُ
بِلَادَ نَبْتِهَا عُشْرٌ وَطَلْحُ وَأَكْثَرَ صَيْدِهَا صَبِغٌ وَذَيْبُ
وَلَا تَأْخُذُ عَنِ الْأَعْرَابِ لَهَواً وَلَا عَيْشاً فَعَيْشُهُمْ جَدِيدُ

(ابونواس، ۱۴۱۸: ۱۸)

ترجمه: [آثار به جا مانده از خانه یار را رها کن تا باد جنوب آن را بپوشاند و رخدادهای روزگار کهنه اش گرداند. و راه شترسوار را باز بگذار تا شتران نر و ماده در آن حرکت کنند. آنجا سرزمینی است که گیاه آن بوته و خار است و بیشترین شکار آن، کفتار و گرگ. خوشگذرانی و زندگانی را از عرب‌ها نیاموز که زندگیشان، خشک و خالی است].

در این ابیات نیز شاعر بار دیگر از شاعران می‌خواهد که نمادها و آثار دوران جاهلی را به حال خود رها کنند تا کهنه‌تر و فرسوده‌تر شوند. او بار دیگر، به زندگانی اعراب خرده می‌گیرد و از مخاطب می‌خواهد که: « **وَلَا تَأْخُذُ عَنِ الْأَعْرَابِ لَهَواً / وَلَا عَيْشاً فَعَيْشُهُمْ جَدِيدُ**»، یعنی: زندگانی را از عرب‌ها نیاموز که زندگیشان، خشک و خالی است. سپس در ادامه، به مقایسه زندگانی ایرانیان و اعراب می‌پردازد:

فَهَذَا الْعَيْشُ لَا حَيْمَ الْبُؤَادِي وَهَذَا الْعَيْشُ لَا اللَّبَنُ الْحَلِيبُ
فَأَيُّ الْبُدُوِّ مِنْ إِيْوَانِ كِسْرَى وَأَيُّ مَنِ الْمَيَادِينِ الزُّرُوبُ

(ابونواس، ۱۴۱۸: ۱۹)

جلوه‌های نوآوری در مطلع در سروده‌های ابونواس ۶۳۱۱۱

ترجمه: [این زندگی است، نه خیمه‌های بیابان این زندگی است، نه دوغ و شیر. بیانگرد کجا و ایوان کسری کجا، میدان‌های شهر کجا، و آغل‌های چهارپایان کجا].

شاعر با تکرار دوباره «فهذا العیش» برتری و کیفیت زندگی ایرانی را در برابر نمونه عربی، غیر قابل قیاس می‌بیند. و اینچنین، «او به تمسخر شاعرانی می‌پردازد که در عصر تمدن و شهرنشینی، به جای ستایش از مظاهر تمدن، به ستایش افتخارات جاهلی و مظاهر تمدن عربی می‌پردازند» (هادی‌پور نهزمی، ۱۳۸۷: ۲۵۱). اینچنین، شاعر از رهگذر همین مقایسه و موازنه، خواننده را به درک کردن بیشتر موضوع دعوت می‌کند.

۲) رها کردن اطلال و دمن از رهگذر سخریه و ریشخند:

در این رویکرد، ابونواس با سخریه و ریشخند از مخاطب خود می‌خواهد که کار بیهوده‌گریستن بر اطلال و دمن معشوق را رها کند:

قُلْ لِمَنْ يَبْكِي عَلَى رَسْمِ دَرَسٍ واقِفاً مَا ضَرَّ لَوْ كَانَ جَلَسٍ
اتْرُكِ الرَّبْعَ وَسَلْمِي جَانِباً وَاَصْطَبِحْ كَرْحِيَّةً مِثْلَ الْقَبَسِ
(ابونواس، ۱۴۱۸: ۱۲۰)

ترجمه: [به کسی که بر ویرانه‌های فرسوده ایستاده و می‌گرید، بگو: اشکالی ندارد اگر بنشینی. بقایای دیار و (خاطرات) سلمی را فراموش کن و صبح را با پیاله‌ای از شراب کرخی که بسان شراره آتش (قرمز رنگ) است، آغاز کن].

در دو بیت بالا، شاعر آشکارا به مقابله و معارضه با سبک و اسلوب جاهلین در شعرسرایی می‌پردازد، اما لحن ابیات کمی متفاوت است. شاعر مستقیماً از مخاطب خود (دیگر شاعران) نمی‌خواهد که سرودن و گریستن بر ویرانه‌ها را متوقف کند، بلکه تصویرسازی با کمک تمسخر و ریشخندی تلخ و گزنده صورت گرفته است. لحن طنزآمیز و مطایبه‌گر شاعر در بیت نخست، که ریشخند و تمسخر شاعر نامدار جاهلی امرؤالقیس نیز است، شیرینی و تازگی خاصی را برای خواننده به همراه دارد. ابونواس امرؤالقیس (و دیگر شاعران جاهلی) را به سخره می‌گیرد و می‌گوید که حتی اگر با حالت نشسته بر خرابه‌های محبوب گریه ساز کنند، ضرری متوجه آنان نمی‌شود. سپس با فعل امر (اترك: رها کن) آنها را به سمت نوشیدن شراب کرخی (منسوب به کرخه) فرا می‌خواند.

۶۴ // دو همدانه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

این لحن مطایبه گر و طنّاز در موارد دیگر نیز به آسانی قابل مشاهده و رصد است:

لَا تَبْكِي رَسْمًا بِجَانِبِ السَّنَدِ وَلَا تَجْدِي بِالْدُمُوعِ لِلْجَرْدِ
وَلَا تُعْرَجِ عَلَيَّ مُعْظَلَّةً وَلَا أَثَافِي خَلَّتْ وَلَا وَتَدِ
(ابونواس، ۱۴۱۸: ۳۸)

ترجمه: [بر خرابه های سند تکیه نکن و با اشک هایت به زمین های بایر بخشش نکن. و در زمین خشک و بدون آب و علف و جایی که از آبادی خبری نیست درنگ نکن].

شاعر در این دو بیت نیز با لحنی تمسخرآمیز از گریه کننده بر اطلال محبوب می خواهد که: «لا تَجْدِي بِالْدُمُوعِ لِلْجَرْدِ»: با اشک هایت به زمین های بایر بخشش نکن». کاربرد فعل های نهی در این مقطع، که دلالات ضمنی تمنا و عاطفه را نیز به همراه دارند، بر بار معنایی و دلالتی ابیات افزوده است.

۳) رها کردن اطلال و دمن و پرداختن به بادسرایایی

در این نوع رویکرد، ابونواس ضمن فراخواندن به گریه نکردن بر ویرانه های منزل یار، به بادسرایایی و تمجید و تحسین باده می پردازد:

مَالِي وَلِلرَّبْعِ وَالرُّسُومِ هُنَّ طَرِيقٌ إِلَى الْهُمُومِ
لَلْحِطِّ طَرْفٍ وَعَمْرٌ كَفٌّ وَخَمْرَةٌ مِنْ بَنَانِ رِيَمِ
وَصَوْتُ مَثْنَى يُجِيبُ زِيْرًا عَلَى حَشَا طِفْلَةَ هَضِيمِ
وَرِيحٌ رِيحَانَةٍ بِمِسْكِ تَدْعُو نَدِيمًا إِلَى نَدِيمِ
أَحْسَنُ مِنْ خِيْمَةٍ وَرَبْعِ تَجْرَحُهُ الرِّيحُ بِالنَّسِيمِ
(ابونواس، ۱۴۱۸: ۲۵۴)

ترجمه: [مرا با آثار و اطلال و دمن سرزمین یار چه کار است؟ آن ها راهی به سوی اندوه ها هستند. همانا آن نگاه گوشه چشمی و بخششی از سوی دستان و شرابی از انگورهای خالص سفید است و صدایی شکسته از درون دختر بچه ای نحیف به آرامی پاسخ می دهد و نسیم ریحان موجود در مشک، ندیمه ای را سوی ندیمه ای دیگر فرا می خواند. بهتر از خیمه ها و چادرها و آثار دیار یار که باد به همراه نسیم به آن آسیب می رساند.]

جلوه‌های نوآوری در مطلع در سروده‌های ابونواس ۶۵

شاعر از همان ابتدا با اطلال و دمن محبوب تعیین تکلیف می‌کند و می‌گوید که با آنها کاری ندارد زیرا آنها راهی به سمت اندوه و غصه است. او شادی و آرامش خود را در بادهای ناب جستجو میکند. نگاهی به اشعار موجود از عصر عباسی نشان می‌دهد که به محض ورود به این عصر، «شاعران به خمریان گرایش یافتند و قصاید خود را به جای گریستن بر ویرانه‌های محبوب، با توصیف خمر آغاز نمودند» (زینیوند، ۱۳۹۰: ۱۵۵). توجه به اشعار ابونواس نیز نشان می‌دهد که «حدود یک چهارم آثار او را همین خمریات تشکیل می‌دهد و ابونواس به واسطه سرودن این مضمون بود که به اوج شهرت رسید.» (آذرنوش، ۱۳۸۷: ۲۵۶). باید گفت که «او از شاعران نوگرا در ادبیات عربی است که در زمینه‌های غزلی به ویژه ستایش شراب، شعرهای بسیاری سروده است» (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۵۱). در تصویر زیر، ابونواس شأن و منزلت توصیف‌کننده شراب در میخانه‌ها را بسیار بالاتر و بیشتر از گریه‌کننده بر فراغ و هجران میدانند:

تَبَكِّي عَلَى طَلَلِ الْمَاضِيَيْنِ مِنْ اسَدٍ لَادِرَّ دَرَكِ قَل لِي مِنْ بِنُوَاسِدٍ؟
لَا جَفَّ دَمْعُ الَّذِي يَبْكِي عَلَى حَجَرٍ وَلَا صَفَا قَلْبٌ مَنْ يَصْفُو إِلَى وَتَدٍ
كَمْ بَيْنَ نَاعَتِ خَمْرٍ فِي دَسَاكِرْهَا وَ بَيْنَ بَاكِ عَلَى نُؤَى وَ مُتَنَضِدٍ
(ابونواس، ۱۴۱۸: ۹۶)

ترجمه: [بر ویرانه‌های گذشتگان گریه ساز می‌کنی، خدا خیرت ندهد! برایم از قبیله‌ی بنی اسد بگو. اشکی که برای حجر جاری میشود، خشک نمی‌گردد و قلبی که بهانه‌جوست، صاف و بی‌آلایش نمی‌گردد. چقدر فرق است بین وصف‌کننده شراب در میخانه‌ها و بین کسی که از فراغ و دوری هجران می‌گرید]

شاعر در ابتدا لعن و نفرین میکند کسی را که هنوز بر سبک و سیاق کهنه شعر می‌سراید. سپس در ادامه به مقایسه وصف‌کننده شراب در می‌خانه‌ها: (کَمْ بَيْنَ نَاعَتِ خَمْرٍ فِي دَسَاكِرْهَا) و گریه‌کننده از فراغ و دوری هجران: (وَ بَيْنَ بَاكِ عَلَى نُؤَى وَ مُتَنَضِدٍ) می‌پردازد. و در جای دیگری می‌خوانیم:

إِنْسَ رَسَمَ الدِّيَارِ ثُمَّ الطُّلُولَا وَاهْجُرِ الزَّبَعِ دَارِسًا وَمَحِيلَا
هَلْ رَأَيْتَ الدِّيَارَ رَدَّتْ جَوَابًا وَأَجَابَتْ لِذِي سُؤَالٍ سُؤُولَا

وَاشْرَبَتْهَا كَأَنَّهَا عَيْنٌ دِيكٍ يَطْرُدُ الْهَمَّ طَعْمُهَا وَالْغَلِيلا

(ابونواس، ۱۴۱۸: ۱۴۳)

نکته‌ای که باید در نظر داشته باشیم این است که «ابونواس همانطور که در فسق و فجور خود خالص و بی‌ریاست در تقوا و زهد خود نیز مردی است بدون کدورت و برخوردار از روحی زلال، صمیمی و شفاف» (میرحسینی و مقصودی، ۱۳۹۰: ۲۸۰). از اینرو، با دقت در خمریات شاعر در می‌یابیم که «باده ابونواس لطیف و رقیقتر از آب است، او شراب را عرض نمی‌داند بلکه باور دارد که جوهر و روح است» (نجاریان و کهدویی، ۱۳۹۰: ۲۶۴). از این پس ملاحظه می‌شود که ابونواس شیوه آغاز قصائد عرب را با غزل و گریه کردن بر خرابه‌های خانه محبوب رها کرده و خمریاتش را به عنوان جایگزین برای این شیوه شروع قصیده پیشنهاد می‌دهد و بنیان می‌افکند:

بَكَيْتُ وَمَا أَبْكِي عَلَى دَمِنٍ قَفَرٍ وَمَا بِي مِنْ عَشْقٍ فَأَبْكِي مِنَ الْهَجْرِ
وَلَكِنْ حَدِيثٌ جَاءَنَا عَنْ نَيْبِنَا فَذَاكَ الَّذِي أَجْرَى دُمُوعِي عَلَى النَّحْرِ
بِتَحْرِيمِ شُرْبِ الْخَمْرِ وَالنَّهْيِ جَاءَنَا فَلَمَّا نَهَى عَنْهَا بَكَيْتُ عَلَى الْخَمْرِ
فَأَشْرَبْتُهَا صِرْفًا وَأَعْلَمُ أَنَّي أَعَزَّزْتُ فِيهَا بِالْثَمَانِينَ فِي ظَهْرِي

(ابونواس، ۱۴۱۸: ۶۴)

ترجمه: [گریستم اما نه بر صحرايي خشك و بي آب و علف. عاشق نيستم، كه از هجران گريه ساز كنم. ولي حديثي از پيامبرمان آمده كه اشك‌هايم را بر گلويم جاري ساخته است. (آن حديث) راجع به حرام بودن نوشيدن شراب بود كه براي ما آمد و از زماني كه از آن نهی شده‌ام بر شراب می‌گريم. ولي (با اين وجود هم) آن را خالص، ناب و بي غش مینويسم با اينكه ميدانم با اين كار، هشتاد ضربه تازيانه را بر پشتم بايد تحمل كنم].

در بیت اول شاعر از حالت «بی‌عشق» خود سخن می‌گوید. حالتی که طبیعتاً نمیتواند گریه شاعر را توجیه کند. اما شاعر، بی‌درنگ و آشکارا، دلیل گریستن خود را توضیح می‌دهد و می‌گوید که بخاطر فرمایش پیامبر (ص) درباره حرام بودن باده گساری، طاقت شاعر طاق و اشک‌های چشم او سرازیر شده است. اما با این وجود هم، شاعر چنان به میگساری وابسته و دلبسته است که حد شرعی باده خواری را به جان می‌خرد و جرعه جرعه باده ناب می‌شود. اعتراف تلخ شاعر با وجود علم به گناه

جلوه‌های نوآوری در مطلع در سروده‌های ابونواس ۶۷\|\|

بودن شرب خمر و تحمّل هشتاد ضربه تازیانه، که در بیت پایانی صورت گرفته است، خواننده را بهت-زده می‌کند.

و این، همان شرابی که ابونواس بارها و بارها برای آن می‌گرید:

لَيْتَكَ أَبْكِي وَلَا أَبْكِي لِمَنْزِلَةٍ كَأَنَّتْ تَحُلُّ بِهَا هِنْدٌ وَأَسْمَاءُ

(ابونواس، ۱۴۱۸: ۲۸)

ترجمه: [برای آن می‌گیریم نه برای منزلی که هند و اسماء در آن سکنی دارند].

در این بیت نیز شاعر آشکار به وصف و تمجید باده می‌پردازد تا جایی که بر دوری و فراق آن نیز گریه ساز و آغاز می‌کند.

۴) رها کردن اطلال و دمن و پرداختن به وصف طبیعت:

در این رویکرد، شاعر بجای پرداختن به مقدمات طللی، مطلع سروده‌هایش را با تصویرسازی طبیعت آذین می‌بندد:

طَابَ الزَّمَانُ وَأَوْرَقَ الْأَشْجَارُ وَمَضَى الشِّتَاءُ وَقَدْ أَتَى آذَارُ

وَكَسَا الرِّبِيْعُ الْأَرْضَ مِنْ أَنْوَارِهِ وَشَيْئاً تَحَارُّ لِحُسْنِهِ الْأَبْصَارُ

(ابونواس، ۱۴۱۸: ۴۶)

ترجمه: [زمان نیکو شد و درختان برگ دادند و زمستان گذشت و بهار آمد. بهار با نورهایی خود پیراهنی بر قامت زمین پوشیده است که دیدگان از زیبایی آن بهت زده هستند].

ملاحظه می‌شود که شاعر بجای آن مقدمات کهنه، تصویرش را با وصف طبیعت آغاز نموده است.

چهار جمله « طَابَ الزَّمَانُ »، « وَأَوْرَقَ الْأَشْجَارُ »، « وَمَضَى الشِّتَاءُ » و « أَتَى آذَارُ » در بیت

اول، شرایط لازم برای تصویرسازی عینی و حسی در بیت دوم تدارک می‌بینند. تخیل و ایماژ شکل گرفته در بیت دوم نیز که در هماهنگی، تعادل و انطباق کامل با فضای ذهنی در این بیت است، در خدمت ترسیم، تصویر و تکمیل عناصر طبیعت در این قطعه مورد استفاده قرار گرفته است تا نمایش احساسات شاعر را از آمدن بهار به زیباترین صورت، به نمایش گذارد. تشخیصی که در بیت دوم به کار گرفته شده، از رهگذر تشبیه بهار به انسانی که خلعتی را می‌بخشد هم در نهایت ایجاز، در خدمت

۱۶۸ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

القاء احساس سرخوشی و التذاذ شاعری است که از آمدن بهار شادمان گشته شده است. و در جای دیگری نیز با همین نوع از توصیف (یعنی توصیف عناصر طبیعت) شروع می‌کند:

مَضَى أَيْلُولٌ وَارْتَفَعَ الْحَرُورُ وَأَخْبَتَ نَارَهَا الشِّعْرَى الْعَبُورُ

(ابونواس، ۱۴۱۸: ۵۳)

ترجمه: [ماه ایلول گذشت و گرما شدت یافت و ستاره شعرای نورش را کم کرد].

در این بیت نیز شاعر به جای پرداختن به مقدمات طللی، از عناصر طبیعت برای ورود به شعرش استفاده میکند. از این رو، ملاحظه میکنیم که تصویرهای عینی و طبیعی، جای ایستادن و گریستن بر اطلال و دمن محبوب را گرفته اند. بنابراین، انتخاب واژگان «أیلول»، «الحرور» و «الشعری» از لحاظ دلالت و معنا، در خدمت تصویرسازی برای عناصر طبیعت به دکار گرفته شده‌اند تا بدین وسیله، توصیف شاعر را تکمیل نمایند.

نتایج مقاله

ابونواس از نام‌دارترین غزلسرایان نوگرا در عصر عباسی است که در برابر سنت شعرسرایی به سبک و سیاق شاعران جاهلی موضع‌گیری و صف‌آرایی کرد و سرودن غزل به سبک و شیوه پیشینیان را بی-حاصل و بیهوده دید. وجه تمایز ابونواس از هموعانش در ادب عربی، توجه شاعر به مضمون‌های جدید برای مطلع‌های شعری و در افکندن طرحی نو در ساختمان ایستا و کالبد فروهشته غزل عربی است. پدید آمدن زندگی نوین در عصر عباسی و به وجود آمدن آزادی‌ها، از عوامل اصلی و تأثیرگذار برای خروج ابونواس از قیود تقلید و گام نهادن در طریق نوآوری بود. ابونواس برای جایگزین کردن روش کهنه و قدیمی جاهلی، گاهی با توصیف باده و باده‌گساری و اجزا و عناصر آن، گاهی با عناصر طبیعت، گاهی با مقایسه و مقارنه ویرانه‌ها با آثار شکوهمند بجای مانده از تمدن ایرانی و گاهی با ریشخند کردن شیوه گذشته اشعار خود را آغاز نموده است. لحن تهاجمی، حق به جانب و تمسخرمآبانه شاعر نیز به گونه‌ای است که مخاطب را با خود همگام و همسو میکند. تصاویر مبتنی بر اسناد مجازی (تشخیص) نیز در هماهنگی تام و انطباق کامل با فضای سروده‌های شاعر انتخاب و به-گزین شده است.

جلوه‌های نوآوری در مطلع در سروده‌های ابونواس ۶۹

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نوآوری ابونواس تنها به مطلع شعری محدود و منحصر نشده است. ابونواس کوشیده است تا غزلیاتش را با درونمایه‌های موجود در جامعه معاصرش پیوند و تطابق دهد. غزلی که ابونواس عرضه کرد مفاهیمی گسترده‌تر از معاشقه و مغالزه دارد، در سروده‌های او، جامعه معاصر شاعر، با همه ویژگی‌ها و پدیده‌هایش جریان دارد. به طوری که اغراق نیست اگر گفته شود که غزل با انواس، دوره تجدید حیات خود را سپری کرد.

۱۱۱۷۰ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

کتابشناسی

ابن خلکان، احمد بن محمد. (۱۳۶۴ش). **وفات الأعیان و أنباء أبناء الزمان**، حققه احسان عباس، قم: منشورات الشریف الرضی.

ابونواس، حسن بن هانی. (۱۴۱۸ق). **دیوان أبونواس**، شرحه و ضبطه نصوصه: الدكتور عمر فاروق الطباع، بیروت: شركة دار الأرقم بن أبی الأرقم للطباعة والنشر.
إفرايم بستانی، فواد. (۱۹۶۱م). «**بین العربية والفارسیة**»، مجله الدراسات الأدبیة، العدد الاول، السنة الثالثة، الجامعة اللبنانیة.

اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۴۶ش). **تاریخ مفصل ایران از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه**، تهران: قلم.

آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۸۷ش). **چالش میان فارسی و عربی**، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
بروکلمان، کارل. (۱۹۹۳م). **تاریخ الأدب العربی**، ترجمه محمود فهمی الحجازی، القسم الأول، القاهرة: الهيئة المصریة العامة للكتاب.

خطیب بغدادی، احمد. (بیتا). **تاریخ بغداد**، ج ۷، بیروت: دارالكتاب العربی.
رضایی ابوالفضل و علی عدالتی نسب. (۱۳۹۴ش). «**تأثیر پذیری جواهری از گرایشهای شعری غالب در دوره عباسی**»، ادب عربی، شماره ۱، سال ۷.

زیدان، جرجی. (۱۹۹۶م). **تاریخ آداب اللغة العربیة**، المجلد الثاني، بیروت: مكتبة البحوث والدراسات فی دار الفكر.

زینیوند، تورج. (۱۳۹۰ش). «**مقارنه بین أبی نواس الأهوازی البصری والرودکی السمرقندی فی ضوء خمرياتھا المادیة**»، فصلیة النقد و الأدب المقارن، جامعه رازی کرمانشاه، السنة الأولى، العدد ۴.
ضیف، شوقی. (۱۹۸۲م). **العصر العباسی الأول**، الطبعة الثامنة، القاهرة: دار المعارف بمصر.

غلامعلی زاده جواد و سید باقر حسینی. (۱۳۹۰ش). «**تحلیلی نو بر گرایش مذهبی و سیاسی حسن بن هانی (ابونواس)**»، مجله زبان و ادبیات عربی (مجله ادبیات و علوم انسانی سابق)، شماره پنجم.
فاتحی نژاد، عنایت الله و آذرتاش آذرنوش. (۱۳۷۳ش). **دایرة المعارف بزرگ اسلامی «ابونواس»**، ج ۶.

الفاخوری، حنا. (۱۳۸۰ش). **الجامع فی تاریخ الأدب العربی (الدب القدیم)**، قم: منشورات ذوی القربی.

جلوه‌های نوآوری در سروده‌های ابونواس ۷۱۱۱۱

فرای، ریچارد. (۱۳۶۳ش). **عصر زرین فرهنگ ایران**، ترجمه مسعود رجب نیا، چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش.

فروخ، عمر. (۲۰۰۶م). **تاریخ الادب العربی**، ج ۲ و ۱، الطبعة الثامنة، بیروت: دارالعلم للملایین.

محمدی‌فر، یعقوب و دیگران. (۱۳۹۶ش). «سازهای ایرانی در اشعار ابونواس شاعر عرب»، مطالعات باستان‌شناسی پارسی، سال اول، شماره ۱.

میرزایی، فرامرز و دیگران. (۱۳۹۲ش). «جلوه‌های جشن‌های باستانی پارسیان در شعر بحتری و ابونواس»، نشریه ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ۵، شماره ۹.

میرحسینی، سید محمد و مسلم مقصودی. (۱۳۹۰ش). «بررسی تطبیقی زهدیات ابونواس و سنایی»، نشریه ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، سال سوم، شماره ۵.

نجاریان، محمدرضا و محمد کاظم کهدویی. (۱۳۹۰ش). «نگاه شاعرانه رودکی و ابونواس به خمریات»، نشریه ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، سال دوم، شماره ۴.

هادی پورنهمی، یوسف. (۱۳۸۷ش). «ابونواس، شاعر ایرانی در بوت‌نقد و داوری تاریخ»، پژوهشنامه فرهنگ و ادب بهار و تابستان، شماره ۶.

همو. (۱۳۹۰ش). «ابونواس بین مطرقة الحکام و سندان التاریخ»، ادب عربی، شماره ۱، سال ۳، شماره پیاپی ۳.